

نام و نام خانوادگی:

نام درس: املا

نام کلاس:

پایه تحصیلی: نهم متوسطه

زمان پیشنهادی: ۶۰ دقیقه

تاریخ برگزاری آزمون: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

علوی

مؤسسه علمی آموزشی علوی

املا ترم اول نهم متوسطه اول

ردیف

خوب به یاد دارم که معلم فارسی سال نهم من همیشه کلاس را با خواندن چند بیت شعر آغاز می‌کرد و همین رفتار شوق‌انگیز همه ما را به ادبیات علاقمند کرده بود.

او علاوه بر مهارت شعر خوانی قدرت بیان بالایی هم داشت و دربارهٔ صنع خدای تعالی، بیابان‌ها و نهرها، جواهر و معادن، انواع نباتات، بساط فراخ و سریر ملک و آب لطیف و آنچه در بر و بحر است و آنچه میان آسمان و زمین است از جمله: میغ و رعد و قوس قزح با ما سخن می‌گفت و از ما می‌خواست جای تعجب اندر این آیات تفکر کنیم.

او همیشه به ما می‌گفت نوجوانی تولد دوبارهٔ انسان است که با متحیر شدن و خودشناسی، شناخت دوستان واقعی و کشف حقیقت و غنیمت دانستن آن آغاز می‌شود و با هیاهو، هشیاری و خودشکوفایی ادامه می‌یابد.

همچنین معتقد بود نوجوانی بهترین موسم مصاحبت و ارتباط گسترده با دوستان است چرا که همین دوستان مصائب را قابل تحمل و موفقیت را دست یافتنی می‌کنند اما نباید فراموش کنیم که یار بد از مار بد هم خطرناک‌تر است زیرا هم‌نشین ما بر طریقت و طبیعت ما تأثیرگذار است پس اگر خودپسند و کج رفتار باشد ممکن است ما را به بدی متهم کنند.

از دیگر نصیحت‌های آن دبیر شایسته پرهیز از جای تهمت زده، سخن ناپرسیده گفتن، استراق سمع و خوض نمودن در محاوراتی که در پیش ما به عمل می‌آید بود و از توصیه‌های همیشگی او قناعت، پرهیزگاری و بردباری. همیشه هم طنز ظریفی در کلام داشت که از طعن و لعن و هجو و تباہی به دور و بسیار دلیزیر و کارساز بود.

هنوز هم بعد از گذشت این همه سال هر کجا غم‌دیده می‌شوم و مقصدم را بعید می‌دانم صدایش را در سرم می‌شنوم که می‌گفت: هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سر غیب.

و در آخر از کردگار مهربان می‌خواهم که او را از هراس اهرمن خویان و گزند دشمنان حفظ گرداند و همواره سلامت و با سعادت نگاه دارد.

۱